

موضوع: مسائل مستحدثه تحریر الوسيله / تغییر جنسیت

جلسه هفتم، ۷ دی ۱۳۹۸

استاد سید احمد خاتمی

امروز پرونده بحث خنثی را می بندیم چون مشکل ما مشکل خنثی نیست و همین اندازه سهم آن کافی است. وضعیت خنثی سه صورت دارد.

صورت اول: مسامحه خنثی به او گفته می شود. و الا جنسیت آن معلوم است، با یک جراحی مختصر، مشخص می شود که مرد است یا زن. در این صورت قطعاً باید جراحی کند تا کلیفش مشخص شود. اما شبهه جنسیت خنثی نسبت به پزشک معالج که او را جراحی کند. چه بسا زن باشد و پزشک مرد مشکل دارد و چه بسا مرد باشد و پزشک زن مشکل داشته باشد. گفتیم این از مقوله اضطرار است، و در مقوله اضطرار، الضرورات تبیح المحذورات. این صورت اول.

صورت دوم: خنثای مشکل است؛ که هیچ یک از نشانه ها را ندارد. هم از انوئیت و هم از ذکوریت بول می کند. نیز از آنها بول قطع می شود. البته نشانه شمردن اضلاع در فرض خنثی غیر مشکل است. در این صورت فقط یک بحث داریم. و آن بحث این است آیا می تواند یکی از دو آلت، مثلاً ذکوریت را از بُن با عمل جراحی بکند و انوئیت را نگهدارد. یا انوئیت را استصال کند. آیا این جایز است یا جایز نیست؟ به عبارت دیگر از بس به او خنثی گفته اند خسته شده لذا ذکوریت را از بین می برد و خود را زن می کند و چادر سر می کند. یا برعکس آیا جایز است؟ روشن است که او با قطع عضو سرنوشت او مشخص نمی شود ولی آیا این نحوه عمل جراحی برای او جایز است یا جایز نیست؟ دلیل بر عدم جواز این نحوه عمل جراحی نداریم. و این عمل جراحی کردن نه تذکر است و تائث، و نه تغییر جنسیت است. در هیچ یک از این عنوان قرار نمی گیرد.

صورت سوم: خنثی غیر مشکل است. یعنی خنثایی که امارات ذکوریت و انوئیت را دارد. اینجا دو مساله مطرح است:

مساله اول: دو علامت ذکوریت و انوئیت را دارد. روشن و مشخص است در این صورت یکی از نشانه ها اصلی و دیگری غیر اصلی است. به عبارت دیگر مثلاً مرد است مشخص مردانگی با چه چیز است. این علامت اصلی و مشخص است. علامت دیگری که انوئیت باشد غیر اصلی است. در این صورت آیا جایز است که عضو غیر اصلی را از خود با عمل جراحی از بُن

بگند یا نه؟ قطعاً جایز است، هیچ شبهه‌ی شرعی هم ندارد. بنابراین بما هو هو شبهه شرعی ندارد و اگر ضرورت تشخیص داده شد که باید عضو را با عمل جراحی قطع کند جایز است. البته عوارض آن مانند لمس و نظر حکم دیگری است غیر حکم بما هو هو است. مثلاً اگر عمل جراحی با لیزر بودن لمس و نظر صورت بگیرد عوارض محرم نخواند داشت و از این جهت نیز جایز می‌باشد. یا مثلاً همسر خنثی پزشک معالج باشد و یا خود خنثی پزشک باشد و بتواند خود را جراحی کند.

مساله دوم: از صورت سوم مشخص بشود که مثلاً مرد است اما نخواهد هویت خود را معین کند بلکه برعکس عضو اصلی را با عمل جراحی بگند. در این صورت بر اساس نظر امام راحل در تغییر جنسیت که قایل به جواز است جایز است. و بنابر نظر محقق خویی که عدم جواز را قایل است. این عمل جراحی جایز نیست. این مقدار از مباحث خنثی کفایت می‌کند گرچه دارای احکام دیگری در همه ابواب فقه است، اما طرح آنها ضرورت ندارد.

ادامه مساله ..... : و هل يجب ذلك لو رأت المرأة في نفسها تمايلات من سنخ تمايلات الرجل أو بعض آثار الرجولية أو رأى المرء في نفسه تمايلات الجنس المخالف أو بعض آثاره؟ الظاهر عدم وجوبه إذا كان الشخص حقيقة من جنس و لكن أمكن تغيير جنسيته بما يخالفه [1].

امام راحل فرعی را در تغییر جنسیت می‌کند که نیازی به بحث گسترده ندارد. تغییر جنسیت برای زنی که تمايلات مردانه در خود می‌بیند. و تغییر جنسیت برای مردی که تمايلات زنانه در خود می‌بیند. آیا واجب است یا واجب نیست؟ بحث قبل در جواز و عدم جواز بود ولی این بحث در وجوب و عدم وجوب است که امام راحل می‌فرماید دلیلی بر وجوب نداریم. وجوب نیاز به مبنی دارد و صرف تمایل داشتن به معنای این نیست که او زن است. بلکه چه بسا در محیطی زندگی کرده است که از جهت روانی گرایشات زنانه پیدا کرده است یا گرایشات روانی مردانه پیدا کرده است. بنابراین تمايلات جنس مخالف دلیل نمی‌شود که قائل به وجوب تغییر وضعیت خود. محقق خویی اصلاً تغییر جنسیت را جایز نمی‌داند و به طریق اولی عدم الوجوب را می‌گوید. بنابراین امام راحل که قائل به جواز تغییر جنسیت است در این صورت قائل به وجوب نیست.

---

[1] تحریر الوسيلة - ط نشر آثار، الخميني، السيد روح الله، ج ۲، ص ۶۶۸.